

توقیف مرتکب جرم توسط شهروندان

محمد نروزی*

عبدالرضا جوان جعفری**

سیدمهدی سیدزاده ثانی***

چکیده

هر چند شهروندان وظیفه تأمین امنیت را به حکومت و نهادهای ذیصلاح حکومتی سپرده‌اند، اما در شرایط اضطراری خود این وظیفه را به عهده می‌گیرند. ابتکار قانون‌گذار در تبصره یک ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مصداقی بارز از مشارکت‌های انتظامی شهروندان جهت برقراری امنیت عمومی است. بنا به فحواى این تبصره، شهروندان با دستگیری مرتکبان جرایم مشهود مستوجب مجازات‌های سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو و جنایات عمدی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن و همچنین تعزیر درجه سه و بالاتر، نقش به‌سزایی در ارتقای امنیت جامعه خواهند داشت. البته شیوه قانون‌گذاری در این تبصره خالی از انتقاد نیست، چرا که حق دستگیری به صورت مبهم و فارغ از تعیین بایسته‌ها و ضوابط لازم به شهروندان اعطاء گردیده است که این می‌تواند باعث ایجاد بی‌نظمی و دخالت ناروا در حریم خصوصی افراد گردد. هدف از نگارش این مقاله، مطالعه علمی فرآیند بازداشت شهروندی جهت ممانعت از هرگونه بی‌نظمی و تجاوز به آزادی و حریم خصوصی افراد می‌باشد. مطالعات نظری و پژوهش‌های تطبیقی حاکی از آن است که علی‌رغم پیش‌بینی بازداشت شهروندی در نظام حقوقی ایران، احکام و تشریفات ضروری برای حفظ حقوق شهروندان و مرتکبان جرایم احتمالی پیش‌بینی نشده است.

کلیدواژه‌ها: شهروندان، دستگیری شهروندی، ضابطان قضایی، امنیت عمومی، متهم.

* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

Mohamadreza502@yahoo.com

** عضو هیأت علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

Javan-j@um.ac.ir

Seidzadeh@um.ac.ir

*** عضو هیأت علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۲/۰۳

در ۱۳ مارس سال ۱۹۶۴ میلادی، خانم کاترین کیتی ژنویز^۱ در خیابان مقابل آپارتمان‌اش در نیویورک با ضربات چاقو مورد سوء قصد قرار گرفت و کشته شد. این حادثه در شرایطی اتفاق افتاد که همسایگان قربانی بیش از نیم ساعت شاهد ارتکاب جرم بودند ولی عکس‌العملی جهت کمک به وی یا تماس با پلیس انجام ندادند. تنها اقدام صورت گرفته تماس یکی از شاهدان ماجرا با مقرر پلیس پس از فوت قربانی بود.^۲ این حادثه ناگوار که خبر آن به طور وسیعی در جامعه آمریکا پخش شد، حکایت از رشد بی‌تفاوتی شهروندان جهت مشارکت در فرآیند پیشگیری و واکنش به جرایم داشت. پس از این اتفاق، تلاش‌های زیادی برای افزایش مشارکت‌های انتظامی شهروندان صورت گرفت، چرا که ضعف ناشی از عملکرد اقتدارگرایانه پلیس و شدت آسیب به ارزش‌های اساسی جامعه ایجاب می‌کرد که شهروندان حضور جدی‌تری در تأمین امنیت داشته و گاهی خود عهده‌دار ایفای این مهم گردند. از جمله این تلاش‌ها، قانونی نمودن عملیات «دستگیری شهروندی»^۳ در نظام حقوقی برخی کشورها بود. منظور از دستگیری شهروندی، توقیف کردن مرتکبان جرایم توسط اشخاص عادی بدون حکم قضایی^۴ است.^۵ در نظام حقوقی ما هر چند تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲، این بازداشت در پناه مضامینی چون دفاع مشروع، اجرای قانون اهم و اضطراب توجیه می‌شد، لکن ضعف و عدم انطباق این مبانی با بایسته‌های دستگیری شهروندی باعث شد تا قانون‌گذار در تبصره یک ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری صراحتاً حق دستگیری مجرمان را به شهروندان اعطا کند، بدون آنکه هنجارها و قواعد آن را تصریح کند.

هدف از نگارش این مقاله، پژوهش پیرامون عملیات «دستگیری شهروندی»، تبیین چارچوب، ضوابط و استلزامات آن برای جلوگیری از بی‌نظمی و دخالت ناروا در حریم خصوصی افراد می‌باشد. در واقع تفویض بی‌حد و حصر اختیار بازداشت به شهروندان زمینه سلب آزادی و هتک حیثیت اشخاص را به صورت غیرقانونی فراهم می‌کند. بنابراین ضروری است این اختیار به صورت اصولی و علمی اعطا گردد. اهمیت مطالعه این موضوع از آن جهت است که هدف قانون‌گذار از بنای این تبصره

1. Catherine Kitty Genovese
2. N.Y. Times, March 27, 1964, p. 1, col. 4.
3. Citizen's arrest
4. Without a warrant
5. Collin, Peter Hodgson, Dictionary of Law, Second Edition, Chicago, Fitzroy Dearborn Publishers, 1999, p. 40.

مشارکت‌دادن عموم شهروندان در اجرای برنامه‌های منبعث از سیاست جنایی جهت ارتقای نسبی عدالت کیفری است. واگذاری اختیارات انتظامی به شهروندان خارج از یک چارچوب مشخص، نه تنها سودمند نیست بلکه باعث ایجاد بی‌نظمی می‌گردد. برای نیل به این مطلوب، در آغاز نوشتار به بررسی مبانی قانونی بازداشت شهروندی در نظام حقوقی ایران می‌پردازیم (بند اول). تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ علی‌رغم فقدان نص صریح قانونی، دستگیری شهروندی بر اساس تئوری‌هایی همچون دفاع مشروع، اضطرار و اجرای قانون اهم توجیه می‌شد. لکن با تصویب قانون مذکور به نظر می‌رسد این فرآیند بنا به اجازه قانون‌گذار توجیه گردد. این مجوز نشان‌دهنده اهمیت مشارکت انتظامی شهروندان جهت ارتقای امنیت عمومی است، مشروط به اینکه همکاری‌ها به صورت اصولی محقق شود. بدین ترتیب برای تدوین راهکار علمی جهت تحقق این بازداشت، ضمن بررسی ضوابط و پیش‌شرط‌های بازداشت شهروندی (بند دوم)، به تبیین استانداردها و کیفیاتی که در این بازداشت باید رعایت گردد (بند سوم) می‌پردازیم. در این میان مطالعه یافته‌های نظام‌های حقوقی شناخته‌شده دنیا (از جمله فرانسه، انگلستان و آمریکا) و معاهدات بین‌المللی باعث غنی‌تر شدن پژوهش خواهد شد.

۱. مبانی قانونی بازداشت شهروندی

تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مقررهای که صریحاً به دستگیری شهروندی اشاره کند، در نظام حقوقی ایران وجود نداشت. لکن ضرورت توقیف مظنونان در شرایط اضطراری ایجاب می‌کرد حقوق دانان با توسل به برخی مبانی، تئوری‌های متعددی در توجیه دستگیری شهروندی مطرح کنند. از جمله این مبانی عبارت «دستگیر شده باشد» در بند (ب) ماده ۵۹ قانون اصلاح اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۰ خرداد ماه ۱۳۱۱ شمسی بود^۱ که از نظر برخی اطلاق آن اجازه ضمنی بازداشت را به شهروندان می‌داد.^۲ همچنین با توجه به مجهول بودن فعل «دستگیر شدن» در بند ۴ ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸،^۳ این اجازه ضمنی قابل ملاحظه بود.^۴ در نقد این ادعا می‌توان گفت که صرف مجهول بودن

۱. «هرگاه متهمی در جنحه مشهود دستگیر شده باشد فوراً او را با صورت‌مجلس‌های تنظیم شده توسط مأموران نظمیه یا ابنیه نزد مدعی‌العموم بدایت باید ببرند...».

۲. یاد، ابراهیم، حقوق جزای اختصاصی، جلد اول، چاپ دوم، چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، ص. ۲۲۹.

۳. «در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار یا فوری پس از آن دستگیر شود».

۴. کشاورز، بهمن، مجموعه محشای قانون تعزیرات، چاپ سوم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸، ص. ۴۷.

عبارات دلیل متقنی بر این ادعا نیست که قانون‌گذار در صدد واگذاری اختیارات انتظامی به شهروندان بوده است. همچنین اصل احترام به حقوق و آزادی‌های فردی ایجاب می‌کند که دستگیری مظنونان صرفاً توسط ضابطان قضایی صورت گیرد مگر مقنن صریحاً این اختیار را به دیگران واگذار کند.

ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ (ضرورت)^۱ و بند ب ماده ۵۶ این قانون (اجرای قانون مهم)^۲ از دیگر مبانی توجیه‌کننده بازداشت شهروندی بودند؛ به طوری که عده‌ای با استناد به این دو ماده معتقد بودند افراد عادی حاضر در صحنه جرم قابلیت مداخله انتظامی جهت بازداشت مجرمان را دارند.^۳ در باب اجرای قانون مهم و جواز بازداشت شهروندی، از قاتلی مثال زده شده است که به عمد دیگری را کشته و سپس می‌گریزد. به نظر یکی از اساتید «اقدام به توقیف قاتل فراری از مصادیق اعمالی است که برای اجرای قانون مهم یعنی محاکمه و مجازات ضروری است».^۴

در نقد این استدلال‌ها باید گفت ضرورت حالتی است که فرد به علت وجود خطرهای شدید ناشی از عوامل قهری اقدام به ارتکاب جرم می‌کند.^۵ در فرار مجرم عملاً اثری از وجود یک عامل قهری خارجی مشاهده نمی‌شود که در پرتو مراقبت از آسیب‌های آن بتوان دستگیری شهروندی را توجیه نمود. علاوه بر این برای آنکه جرم در پناه عامل ضرورت مشمول معافیت قانونی قرار گیرد، می‌بایست برای حفظ جان و مال خود یا دیگری ارتکاب یابد.^۶ بسیاری از مصادیق دستگیری شهروندی جهت مساعدت به ضابطان دادگستری صورت می‌گیرد، بدون آنکه مسأله حفاظت از جان و مال مطرح باشد. از طرفی اجرای قانون مهم بر عهده مأموران و قوای دولتی است و شامل افراد عادی نمی‌شود، چرا که انجام قانون برخلاف تبعیت از آن صرفاً وظیفه مأموران دولت است.^۷ بر فرض صلاحیت داشتن شهروندان جهت اجرای قانون، واگذار نمودن تشخیص قانون مهم به ایشان ممکن است به آزادی‌های فردی و حقوق اجتماعی

۱. به موجب این ماده: «هر کس هنگام بروز خطر شدید از قبیل آتش‌سوزی، سیل و توفان به منظور حفظ جان یا مال خود یا دیگری مرتکب جرمی شود مجازات نخواهد شد، مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکرده و عمل ارتكابی نیز با خطر موجود متناسب بوده و برای رفع آن ضرورت داشته باشد».

۲. به موجب این بند از ماده: «اعمالی که برای آنها مجازات مقرر شده است در موارد زیر جرم محسوب نمی‌شود: الف - ... ب - در صورتی که ارتکاب عمل برای اجرای قانون مهم لازم باشد.»

۳. ناصرزاده، هوشنگ، «حبس و توقیف قانونی»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶، ۱۳۷۱، صص. ۱۳۵ و ۱۳۶.

۴. آقای نیایا، حسین، حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، چاپ چهارم، نشر میزان، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۷.

۵. شکر، رضا، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، چاپ هشتم، نشر مهاجر، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۵.

۶. گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ دهم، نشر مجد، ۱۳۸۷، ص. ۸۲.

۷. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ بیست و هفتم، نشر دادآفرین، ۱۳۸۸، ص. ۲۵۶.

افراد آسیب بزند، چرا که اولاً قانون اهم اصطلاحی گنگ و مبهم است و تعریفی دقیق از آن نشده است؛ ثانیاً تشخیص درجه اهمیت دو یا چند قانون برای شهروندانی که آگاه به این مسائل نیستند، دشوار است و ممکن است باعث سوءاستفاده گردد.

برخی دیگر از حقوق دانان در پناه اصل دفاع مشروع، اقدام به توجیه دستگیری شهروندی می‌کنند و معتقدند «شخص می‌تواند در مقام دفاع از خود یا دیگری مبادرت به توقیف متجاوز نماید».^۱ از آنجا که دفاع مشروع منوط به فعلیت یا قریب‌الوقوع بودن تجاوز به مال، عرض، ناموس و آزادی خود یا دیگری است تا موجب دفع خطر گردد، لذا هنگامی که تجاوز پایان یافته و جرم تحقق پیدا کرده است، رفتار متقابل علیه متجاوز دفاع مشروع محسوب نخواهد شد.^۲ در نقطه مقابل دستگیری شهروندی منوط به ارتکاب جرایم است و شهروندان در تقابل با جرایمی که در آینده محقق خواهند شد، حق مداخله انتظامی نخواهند داشت. بدین ترتیب به نظر می‌رسد در پناه دفاع مشروع نتوان بازداشت شهروندی را توجیه نمود مگر در مورد جرایمی که در حال ارتکاب هستند، چرا که شهروندان در قبال این جرایم حق مداخله و بازداشت مجرمان را دارند.^۳ از طرفی دستگیری شهروندی با هدف جلوگیری از فرار مجرم صورت می‌گیرد، بدون آنکه هدف حفاظت از مال، عرض و ناموس خود یا دیگری در آن مطرح باشد.

علی‌رغم این مبانی، وجود دلایلی همچون فقدان نص صریح قانونی، ضعف مبانی مذکور و در نهایت ضرر و زیانی که ممکن است بازداشت خارج از ضابطه به حقوق و آزادی‌های اشخاص وارد کند، باعث شد که تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲، بازداشت شهروندی با استقبال مواجه نگردد. قانون‌گذار با ملاحظه اهمیت جلوگیری از فرار مجرم و تأثیر شگرف آن در تکمیل فرآیند تحقیقات و روند دادرسی اقدام به وضع تبصره یک ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری نمود. بر اساس این تبصره «چنانچه جرایم موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ این قانون به صورت مشهود واقع شود، در صورت عدم حضور ضابطان دادگستری، تمام شهروندان می‌توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند». حکم این تبصره صراحتاً دستگیری شهروندی را تجویز کرده است. از آنجا که اجازه و حکم قانون هر دو از عوامل موجهه جرم شناخته شده و آثار آن بر هر دو مترتب می‌شود،^۴ باید دید اراده قانون‌گذار از وضع این تبصره چیست. آیا باید این اراده را حمل

۱. آقایی‌نیا، حسین، منبع پیشین، ص. ۱۴۸.

۲. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، چاپ سی و دوم، نشر میزان، ۱۳۹۲، ص. ۲۹۰.

۳. در قسمت ضوابط بازداشت شهروندی (۳-۱-۱) بیشتر به تبیین این مسأله خواهیم پرداخت.

۴. اردبیلی، محمدعلی، منبع پیشین، ص. ۲۶۰.

بر نوعی تکلیف شهروندی^۱ کرد یا مقنن صرفاً اجازه بازداشت مجرمان را به شهروندان داده است؟

شاید تصور شود که مردم در مواجهه با یک جرم مشهود مطابق وجدان، اخلاقیات و وظیفه انسانی، باید به مداخله انتظامی اقدام کنند. به عبارت دیگر قانون‌گذار در خصوص جرایم بندهای الف، ب، پ، ت ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری که به صورت مشهود ارتکاب می‌یابند، نوعی تکلیف قانونی برای شهروندان در نظر گرفته است.^۲ تکلیفی که سرپیچی از آن مجازات در پی خواهد داشت. در برخی قوانین کشورهای اروپایی نیز نوعی تکلیف قانونی برای مداخله انتظامی افراد وجود دارد. به طور مثال به موجب ماده ۱۰۶ قانون تحقیقات جنایی فرانسه مصوب ۲ مه ۱۸۶۳ افراد عادی مانند کلیه مأموران قوای عمومی مکلفند در جرایم مشهود، بدون نیاز به ورقه جلب و توقیف، متهم را دستگیر کرده و نزد دادستان شهرستان ببرند.^۳ اما واقعیت این است که چنین اعمالی به دلیل حساسیت بالا، نیازمند آموزش‌های خاص قضایی و انتظامی است و تنها یک خطا می‌تواند حقوق مجنی‌علیه و متهم را به خطر بیندازد. به همین دلیل مقنن چنین تکلیفی برای شهروندان در نظر نگرفته است^۴ و به صرف اعطای اختیار از شدت معایب مذکور کاسته است. عدم تعیین ضمانت اجرا و استفاده قانون‌گذار از فعل «می‌توانند» در تبصره، همگی قراین صحیح بودن این فرضیه هستند. اعطای این اختیار حکایت از اهمیت مشارکت انتظامی شهروندان جهت ارتقای امنیت عمومی دارد. البته این همکاری‌ها زمانی فایده‌بخش خواهد بود که به صورت ضابطه‌مند محقق شود. در غیر این صورت نتیجه عکس خواهد داشت. بنابراین در ادامه ضمن مطالعه ضوابط تحقق این مشارکت، به بررسی تشریفات و استلزاماتی که در فرآیند دستگیری شهروندی باید رعایت گردد، می‌پردازیم.

۲. ضوابط قانونی بازداشت شهروندی

واگذاری اختیارات انتظامی به شهروندان زمینه تجاوز به حریم خصوصی افراد را فراهم می‌آورد. بدین ترتیب لازم است شرایطی اعم از سلبی و ایجابی پیش‌بینی گردد

۱. تکالیف شهروندی ریشه گرفته از قانون اساسی کشوری است که فرد شهروند آنجاست یا در آنجا اقامت دارد و دارای ضمانت اجرای کیفری است. (در: جاوید، محمد جواد؛ صادقی، محمد؛ شفیخ‌زاده خولنجانی، مصطفی، «نسبت تکالیف طبیعی و تکالیف شهروندی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۵۹، پاییز ۱۳۹۱، ص. ۹۳).
۲. جوانمرد، بهروز، آیین دادرسی کیفری، جلد نخست، ویراست پنجم، چاپ اول، انتشارات جنگل، ۱۳۹۴، ص. ۲۵۳.
۳. انصاری فرد، ولی‌الله، حقوق تحقیقات جنایی (مطالعه تطبیقی)، چاپ اول، انتشارات سمت، ۱۳۸۰، ص. ۳۶۷.
۴. انظاری، محمدحسن، جرم مشهود در فقه امامیه و حقوق ایران (با نگاهی به حقوق کیفری فرانسه و انگلستان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۹، ص. ۹۳.

تا در گذر از آن تعرضی به حقوق سایرین صورت نگیرد. قانون گذار با در نظر گرفتن این قاعده مهم برای دستگیری شهروندی، ارتکاب مشهود جرایم خاص و عدم حضور ضابطان دادگستری در صحنه جرم را لازم دانسته است. این ضوابط با کمی تغییرات در سایر نظام‌های حقوقی نیز پذیرفته شده است.

۲-۱. ارتکاب جرایم خاص

اولین پیش شرط قانون گذار ارتکاب آن دسته از جرایمی است که شهروندان در مقابل آنها حق مداخله انتظامی دارند. مسلماً رعایت حقوق و آزادی‌های فردی ایجاب می‌کند که شهروندان در مصاف با جرایم مهم عهده‌دار این اختیار حساس باشند. از طرفی مداخله انتظامی شهروندان منوط به تحقق برخی جرایم خاص شده است و تکلیف افراد در مصاف با جرایم ارتکاب یافته و جرایم در حال ارتکاب مشخص نیست. بنابراین ضروری است ضمن تبیین مبث مذکور به بررسی جرایمی که در مواجهه با آنها شهروندان حق مداخله انتظامی دارند، بپردازیم.

۲-۱-۱. تحقق جرایم

همان‌طور که بیان شد دستگیری شهروندی مستلزم ارتکاب برخی جرایم خاص است و قانون گذار اشاره‌ای به حیطه اختیارات شهروندان در مصاف با جرایم حادث شده و جرایم در حال ارتکاب نکرده است. علی‌رغم سکوت قانون گذار، احکام این موضوع به صراحت در نظام حقوق انگلستان و برخی ایالات آمریکا پیش‌بینی شده است. مع‌هذا وجود عبارات «چنانچه جرایم ... واقع شوند» و «جلوگیری از فرار مجرم» در تبصره مؤید این ادعاست که شهروندان در مصاف با جرایم ارتکاب یافته و جرایم در حال ارتکاب حق مداخله انتظامی دارند. همچنین وجود عبارت «جرم مشهود» در تبصره قرینه‌ای بر صحت این ادعاست، چرا که مشهود بودن مستتر در فعلیت و ارتکاب یافتن جرایم است. البته آنچه در این بازداشت‌ها ضرورت دارد، فقدان فاصله زمانی میان ارتکاب جرم و عملیات بازداشت است.^۱ کما اینکه در نظام حقوقی آمریکا نیز بازداشت شهروندی می‌بایست در حین ارتکاب جرم یا بلافاصله پس از تحقق آن صورت گیرد.^۲

۱. بی تردید تعدد استفاده از عبارت «بلافاصله» در بندهای ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری مؤید صحت این ادعاست و در صورتی که از لحظه ارتکاب جرم زمان قابل ملاحظه‌ای سپری بشود، جرم دیگر مشهود نبوده و شهروندان حق مداخله انتظامی نخواهند داشت.

2. Hunsicker, A, *Advanced Skills in Executive Protection*, Florida-Boca Raton, Universal Publishers, 2010, p. 135.

بنابراین شهروندان در قبال جرایمی که سابقاً در منظر آنها ارتکاب یافته است حق مداخله انتظامی نداشته و می‌بایست به صرف گزارش آن بسنده نمایند.

در انگلستان به موجب بند یک ماده ۲۴ مکرر (24A) قانون پلیس و ادله کیفری مصوب سال ۱۹۸۴^۱ زمانی که جرم با کیفرخواستی^۲ در حال ارتکاب است و همچنین به موجب بند دو همین ماده زمانی که چنین جرمی اتفاق افتاده باشد، شهروندان حق مداخله انتظامی جهت بازداشت مظنونان را خواهند داشت. اما در حالتی که شخص تصور می‌کند جرمی در آینده اتفاق خواهد افتاد، حق دستگیری نداشته^۳ و به صرف گزارش به مأموران پلیس باید بسنده شود. در آمریکا نیز شهروندان حق دارند مجرمین و اشخاص در حال ارتکاب جرم را دستگیر و به مقامات قضایی ذیصلاح تحویل دهند.^۴ با این حال کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۵ جهت پیشگیری از وقوع جرایم، به اشخاص اجازه بازداشت مجرمین احتمالی را داده است. به موجب بند ۱ ماده ۵ این کنوانسیون «هر کسی حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کسی نباید از آزادی خود محروم گردد مگر در موارد ذیل و طبق تشریفات قانونی» و قسمت C یکی از موجبات بازداشت و سلب آزادی که ممکن است توسط افراد عادی محقق شود را این‌گونه تبیین نموده است: «دستگیری یا بازداشت قانونی یک فرد با هدف اعزام وی نزد مقام قانونی صالح با ظن معقول نسبت به ارتکاب جرم یا با احتمال عقلانی ضرورت پیشگیری از وقوع جرم توسط وی یا پیشگیری از فرار وی پس از ارتکاب جرم مجاز است».

با واگذاری این اختیار به شهروندان در نظام‌های حقوقی مبتنی بر کامن‌لا، برای فردی که با اعتقاد نادرست به ارتکاب جرم اقدام به بازداشت مظنونان می‌کند، مسئولیت‌هایی پیش‌بینی شده است. در آمریکا بر خلاف افسران پلیس، شهروندانی که اقدام به بازداشت مظنونان می‌کنند، در صورت محقق نبودن جرم دچار مسئولیت مدنی می‌شوند.^۶ در دعوای *Cervantez v. J.C. Penney Company* کارآگاه یک شرکت دو مظنون به سرقت را بازداشت نمود. متهمان به علت فقدان دلیل تبرئه شده و از شرکت کارفرما و افسر مذکور شکایت کردند. از آنجا که بازداشت‌کننده افسر پلیسی بود

1. Police and Criminal Evidence Act 1984 (PACE)
2. Indictable offence
3. Cownie, Fiona, Anthony Bradney & Mandy Burton, English Legal System in Context, sixth Edition, Oxford, Oxford University Press, 2013, p. 253.
4. Hess, Kären, Introduction to Private Security, Fifth Edition, Belmont, CA, Cengage Learning, 2009, p. 267.
5. European Convention on Human Rights (ECHR)
6. Ferdico, John; Fradella, Henry; Totten, Christopher, Criminal Procedure for the Criminal Justice Professional, Twelfth Edition, Boston, Cengage Learning, 2015, p. 250.

که خارج از ساعت اداری اقدام به بازداشت متهمان کرده بود، متشاکیان ادعا کردند که به صرف وجود یک علت احتمالی وی حق دستگیری داشته است. متقابلاً شاکیان پرونده اعلام داشتند که بازداشت‌کننده به عنوان یک افسر امنیت خصوصی اقدام به دستگیری متهمان کرده و از آنجا که جرمی محقق نشده است، به تبعیت از احکام بازداشت شهروندی وی باید مسئول اعمال خویش باشد. دادگاه عالی^۱ کالیفرنیا با اعلام اینکه قوانین حاکم بر بازداشت بستگی به وضعیت کارفرما در زمان بازداشت دارد، ادعای شاکیان دعوی را پذیرفت.^۲ تفاوت مسئولیت‌های حاصله از اشتباه شهروندان و افسران پلیس آمریکایی در این پرونده به خوبی مشخص شده است. در نظام حقوقی انگلستان به موجب بند ۱ ماده ۲۴ مکرر (24A) قانون پلیس و جرایم سازمان‌یافته مصوب سال ۲۰۰۵،^۳ این تصور که جرمی در حال ارتکاب است، باعث مشروعیت بازداشت شهروندی می‌گردد، هر چند جرمی واقع نشده باشد.^۴ لکن اگر شخص معتقد باشد که جرمی در گذشته اتفاق افتاده است و با استناد به همین ظن اقدام به بازداشت مظنونان کند، در صورت محقق نبودن جرم بازداشت موجه نخواهد بود.^۵ در پرونده انگلیسی Self (۱۹۹۲)، آقای Self به اتهام سرقت از فروشگاه تحت تعقیب شهروندان قرار گرفت. وی در دادگاه به اتهام‌های سرقت شکلات و حمله به قصد مقاومت در برابر بازداشت قانونی محاکمه گردید. وی از اتهام سرقت تبرئه شد و دادگاه استیناف با این استدلال که مظنون مرتکب هیچ سرقتی نشده است، محکومیت به حمله را نیز نقض نمود و اذعان داشت که Self می‌تواند به خاطر تحمل بازداشت غیر قانونی از سالبان حقیق درخواست جبران خسارت نماید.^۶ به موجب این رأی دادگاه انگلیسی، تصور نادرست به ارتکاب جرم در گذشته باعث مشروعیت بازداشت شهروندی نشده و شهروندان می‌بایست پاسخگوی اعمال خویش باشند.

۲-۱-۲. نوع جرم ارتكابی

بنا به ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، شهروندان در مصاف با جرایم مستوجب سلب‌حیات، حبس‌ابد، قطع عضو، جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با

1. Supreme Court
2. Fischer, Robert; Green, Gion, Introduction to Security, Seventh Edition, Amsterdam, Butterworth-Heinemann, 2004, p. 108, p. 108.
3. Police and serious organized crime Act 2005
4. پرویزی فرد، آیتاله، سلب آزادی از متهم در حقوق ایران و انگلستان، چاپ اول، انتشارات جنگل، ۱۳۹۱، ص. ۱۵۸.
5. Murphy, Peter; Stockdale, Eric, Blackstone's Criminal Practice 2012, 22 ed, Oxford, Oxford University Press, 2011, p. 1194.
6. Spencer, J., "Citizens Arrest – at their Peril", The Cambridge law Journal, Vol. 51, No. 3, 1992, P. 406.

میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن^۱ و جرایم تعزیری درجه سه و بالاتر^۲ حق مداخله انتظامی جهت بازداشت مجرمان را دارند. منظور از مجازات‌های سلب حیات، قصاص نفس، اعدام و سایر مجازات‌هایی است که نوعاً منجر به مرگ می‌شود. مجازات حبس ابد در نظام کیفری ایران برای برخی جرایم حدی^۳ و تعزیری^۴ پیش‌بینی شده است. قطع عضو نیز غیر از قصاص عضو بوده و شامل مجازات‌های محاربه و سرقت حدی می‌شود. همچنین جنایت علیه تمامیت جسمانی شامل جرایم عمدی علیه اعضای بدن است، اعم از اینکه شاکی تقاضای قصاص یا دیه کرده باشد. آخرین گونه از جرایمی که در مصاف با آنها، شهروندان عادی حق مداخله انتظامی دارند، جرایم مستوجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر است. برای شناسایی این مجازات‌ها می‌بایست به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ رجوع نمود. ارتکاب این جرایم از طرفی صدمات جبران ناشدنی بر پیکره جامعه و اعضای آن وارد می‌کند و از طرف دیگر سنگینی مجازات، احتمال فرار مجرمان را بالا برده و باعث تشویش بیشتر افکار عمومی می‌گردد. قانون‌گذار با ملاحظه این آثار، اقدام به اعطای اختیارات انتظامی به شهروندان کرده است.

همان‌طور که مشخص است شاخص قانون‌گذار برای واگذاری اختیارات انتظامی به شهروندان، نوع و مقدار مشخصی از مجازات بوده است و این طیف وسیعی از عناوین مجرمانه را در برمی‌گیرد. بدین ترتیب شهروندان حقوق‌دانانی فرض شده‌اند که به صورت تفصیلی جرایم مستوجب این کیفرها را می‌شناسند، حال تشخیص این جرایم برای حقوق‌دانان نیز به سختی امکان‌پذیر است. بنابراین از آثار فاسد مقرر مذکور می‌تواند آن باشد که مردم در تشخیص جرایم اشتباه کرده و بسان نظام‌های حقوق کامن‌لا دچار مسئولیت‌های کیفری همچون بازداشت غیرقانونی، آدم‌ربایی و ضرب و جرح گردند. در انگلستان مدیر یک سینما شخصی را که به طور رایگان به تماشای فیلم می‌پرداخت، بازداشت نمود. جوان مقاومت کرد و در جریان درگیری دو عدد از دندان‌های مدیر تلف شد. از آنجا که در انگلستان استفاده رایگان از وسایل تفریحی از جمله جرایم با کیفرخواست نیست، جوان با این دفاع که تنها در مقابل دستگیری غیرقانونی اقدام به دفاع از خود نموده است از اتهام جرح عمدی تبرئه گشت.^۵ بنا به

۱. با اصلاحات صورت‌گرفته در تاریخ ۹۴/۳/۲۴، میزان «ثلث دیه کامل» به «نصف دیه کامل» افزایش یافت.

۲. با اصلاحات صورت‌گرفته در تاریخ ۹۴/۳/۲۴، مجازات تعزیری «درجه چهار و بالاتر» به «درجه سه و بالاتر» تغییر یافت.

۳. مجازات حبس ابد برای تکرار مرتبه سوم سرقت حدی (ماده ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی).

۴. مجازات حبس ابد در جرایم مواد مخدر (مواد ۴ و ۵ قانون مبارزه با مواد مخدر).

۵. پرویزی فرد، آیت‌اله، منبع پیشین، صص. ۱۶۱-۱۶۰.

مفاد این رأی، اشتباه شهروندان انگلیسی در تشخیص جرایم با کیفرخواست رافع مسئولیت کیفری ایشان نیست.

برای ممانعت از تجاوز به حریم خصوصی افراد مطلوب بود قانون‌گذار به جای شاخص قرار دادن مجازات‌های سنگین، اقدام به تهیه لیستی از عناوین مجرمانه می‌نمود که شهروندان در مصاف با آنها حق مداخله انتظامی داشتند. با اجرا شدن این پیشنهاد از طرفی میزان دخالت ناروای اشخاص در سلب آزادی دیگران کاهش می‌یافت و از طرف دیگر برای جرایم مهمی همچون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی که دارای آثار مخربی نسبت به نظم و آسایش عمومی بوده، ولی مشمول مجازات‌های مذکور نیست، امکان بازداشت شهروندی فراهم می‌گردید.^۱

البته تحدید مشارکت‌های انتظامی شهروندان به جرایم سنگین عملکردی مثبت محسوب می‌شود. ضرورت واکنش سریع به جرایم مهم و ضعف نهادهای انتظامی در عرصه مذکور ایجاب می‌کند شهروندان با مشارکت‌های خود ضعف‌ها را جبران نمایند.^۲ در نظام‌های قدرتمند حقوقی نیز مشارکت‌های انتظامی شهروندان محدود به جرایم سنگین و مهم است. قانون‌گذار فرانسوی در ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری تنها در مورد جنحه‌ها و یا جنایاتی^۳ که مجازات آنها حبس می‌باشد، به اشخاص عادی اجازه دستگیری مجرمان را داده است. در آمریکا نیز صلاحیت مداخله شهروندان محدود به جرایم جنحه و جنایات می‌باشد.^۴ مراد از جنایت در این نظام حقوقی، جرایم مستوجب مجازات مرگ یا حبس بیش از یک سال و جنحه جرم مستوجب جزای نقدی یا حبس کمتر از یک سال یا هر دو می‌باشد.^۵ در انگلستان و ولز به موجب ماده ۲۴ مکرر قانون ۱۹۸۴ اصلاحی سال ۲۰۰۵ مشارکت انتظامی شهروندان منحصر به جرایم با

۱. اسدی، لیلسادات، شرحی بر آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، انتشارات فکرسازان، ۱۳۹۴، ص. ۳۹۱.

۲. بدین ترتیب در کشورهایی که توانسته‌اند با به‌کارگیری ابزارهای زرادخانه سنتی کیفری، مقابله مؤثری با جرایم سنگین داشته باشند، عمده مشارکت‌های انتظامی شهروندان در جهت مقابله با جرایم خرد می‌باشد. (در: نجفی ابرنآبادی، علی حسین، «مشارکت مردم در تأمین امنیت»، نشریه امنیت (میزگرد)، شماره ۷-۸، ۱۳۷۸، صص. ۶ و ۷).

۳. «جرمی که مجازات آن حبس جنایی عمومی یا جنایی سیاسی دایم یا جنایی عمومی یا جنایی سیاسی ۱۵، ۲۰ یا ۳۰ سال دارد جنایت است (مانند قتل با سبق تصمیم یا مسموم کردن) و جرمی که مجازات جنحه‌ای حبس حداکثر تا ده سال و جزای نقدی حداقل ۲۵ هزار فرانک جنحه می‌باشد (مانند سرقت ساده)» (در: استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ؛ برلوک، برنار، حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، جلد اول، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۳، ص. ۲۷۲).

4. Emanuel, Steven L, Criminal law, Sixth Edition, Austin, Wolters Kluwer Law & Business/Aspen Publishers, 2007, p.135.
5. Carper, Donald; McKinsey, John A., Understanding the Law, Sixth Edition, Mason OH, South-Western, Cengage Learning, 2012, p. 233.

کیفرخواست می‌باشد.^۱ جرایم با کیفرخواست، جرایم مهمی همچون قتل عمد و سرقت هستند که در دادگاه شاهی^۲ در محضر قاضی و هیأت منصفه مورد رسیدگی قرار می‌گیرند.^۳

۲-۲. ارتکاب مشهود جرایم

دومین شرط تفویض اختیار انتظامی به شهروندان، ارتکاب جرایم بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ قانون آ.د.ک، به صورت مشهود است. ماده ۴۵ ق.آ.د.ک بدون آنکه جرم مشهود را تعریف کند، مصادیق آن را مشخص کرده است.^۴ لکن به طور خلاصه می‌توان گفت که جرم مشهود، جرمی است که در منظر ضابطان و یا مردم تحقق یابد. در نظام‌های بزرگ حقوقی دنیا نیز شهروندان در مصاف با جرایم مشهود حق مداخله انتظامی دارند. برای نمونه در آمریکا شهروندان زمانی می‌توانند اقدام به بازداشت مظنونان کنند که جرم یا شروع به آن در محضر ایشان اتفاق بیافتد و مشهود باشد. البته در مورد جنایات ارتكابی صرف دلیل معقول که احرازکننده ارتکاب جرم توسط متهم است، باعث مشروعیت بازداشت شهروندی می‌گردد، هر چند جرم مشهود نباشد.^۵ دلیل معقول زمانی وجود دارد که یک شخص محتاط به این نتیجه برسد که جرمی محقق شده است. این دلیل (که گاهاً با تردید همراه است) باید فراتر از ظن صرف باشد و با توجه به اوضاع و شرایط خاص حاکم بر هر مورد مشخص می‌شود.^۶

1. Cownie, Fiona; Bradney, Anthony; Burton, Mandy, English Legal System in Context, Sixth Edition, Oxford, Oxford University Press, 2013, p. 13.

2. Crown Court

3. Slapper, Gary; Kelly, David, the English Legal System, Fifteenth Edition, Abingdon-Oxon, Routledge, 2014, p. 291.

۴. به موجب ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری، «جرم در موارد زیر مشهود است:

الف- در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یادشده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند؛ ب- بزه‌دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند؛ پ - بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یادشده به متهم محرز گردد. ت- متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود؛ ث- جرم در منزل یا محل سکونای افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکونای خود درخواست کند؛ ج - متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد؛ چ- متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد».

5. Nemeth, Charles, Private Security and the Law, Fourth Edition, Amsterdam, Butterworth-Heinemann, 2012, p. 73.

۶. رستمی، ولی، «مشارکت مردم در فرآیند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی)»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶، ص. ۱۴۴.

برخلاف جنایات در مورد جنحه‌های ارتكابی، شهروندان تنها در صورتی می‌توانند مداخله انتظامی کنند که جرم در محضر ایشان ارتكاب یافته باشد^۱ و ظن ارتكاب جنحه باعث مشروعیت بازداشت شهروندی نمی‌شود.^۲ البته برخی جنحه‌های خطرناک، مشمول این قاعده نشده و با ظن ارتكاب این جنحه‌ها شهروندان حق دستگیری خواهند داشت. حمله به سالمندان،^۳ حمله به اموال مدرسه،^۴ خشونت خانگی^۵ و در نهایت حمله به امدادگران و آتش‌نشانان،^۶ از جمله این جنحه‌ها هستند.^۷

البته ضروری نیست برای تحقق قاعده (در حضور)، جنحه‌ها حتماً در مجاورت شهروندان ارتكاب یابد. در دعوی (People v Lee)، خانم Lee همراه خود تعدادی لباس زنانه به داخل اتاق پرو برد و پس از خروج تعداد کمتری از لباس‌ها را به قفسه بازگرداند. در پی این اتفاق، خانم Lee مورد بازرسی نگهبان فروشگاه قرار گرفت و لباس مفقودی در کیف وی یافت شد. با دستگیری سارق این مسأله مطرح گردید که نگهبان فروشگاه عمل ربایش لباس را ندیده، لذا عملیات دستگیری غیر قانونی بوده است. در پاسخ به این تردید بیان شد، قاعده مذکور در طول تاریخ دچار تفاسیر موسعی شده است، لذا مجاورت فیزیکی و مشاهده جرم جهت دستگیری ضروری نمی‌باشد.^۸

در فرانسه شهروندان تنها در مصاف با جرایم مشهود^۹ حق دستگیری مجرمان را دارند.^{۱۰} در این کشور تصور ارتكاب جرم مشهود نیز از مصادیق جرم مشهود محسوب شده و باعث مشروعیت مداخله انتظامی شهروندان می‌گردد. در دعوی که در آن شخصی انگورش به سرقت برده شد، در فاصله زمانی و مکانی کوتاه اقدام به دستگیری فردی نمود که حامل سبد انگوری بوده و حاضر به نشان دادن محتوای سبد نمی‌شد. فرد دستگیر شده به علت فقد دلیل آزاد گردید، لکن وی علیه شاکی اقامه دعوی مدنی از باب تقصیر و خطا نمود. دیوان عالی کشور فرانسه تقصیر و خطای مالباخته را رد و

۱. قاعده در حضور (In the presence rule)

2. Emanuel, Steven L, op. cit., p. 135.

3. Elder Assault

4. Assault on school property

5. Domestic violence

6. Assault on firefighter or paramedic

7. <https://www.attorney-sacramento.com/law/393>

8. Maxwell, David A, Private Security Law Case Studies, Boston, Butterworth-Heinemann, 1993, pp. 246-247.

۹. برای شناسایی مصادیق جرم مشهود در حقوق فرانسه، رک: لارگیه، ژان، آیین دادرسی کیفری، ترجمه حسن کاشفی اسمعیل‌زاده، چاپ اول، گنج دانش، ۱۳۷۸، ص. ۹۴.

۱۰. استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ؛ برلوک، برنار، آیین دادرسی کیفری، ترجمه حسن دادبان، جلد اول، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷، ص. ۴۷۰.

وی را آزاد می‌نماید. پارا و مونتروی به نقل از گرانیه، با استناد به این رأی دیوان عالی نتیجه گرفته‌اند که تصور ارتکاب جرم از مصادیق جرم مشهود تلقی می‌شود.^۱ در نظام حقوقی انگلستان نیز بنا به ماده ۱۱۰ قانون پلیس و جرم سازمان‌یافته شدید مصوب ۲۰۰۵ وجود مؤلفه‌های جرم مشهود همچون «وجود ظن متعارف به وقوع جرم یا ظن متعارف نسبت به شناخت مجرم» برای دخالت‌های انتظامی شهروندان جهت بازداشت مجرمان ضروری است.^۲

ظاهراً مقابله جدی با برخی جرایم خاص که به صورت مشهود محقق می‌شود، در بیشتر نظام‌های حقوقی پیش‌بینی شده است. تا آنجا که رسیدگی به این جرایم به دلیل مهیا بودن ادله جرم و ضرورت مقابله با گستاخی مجرم با فوریت مداخله و سرعت در انجام کار همراه بوده است. این رویه منجر به محدود شدن قسمتی از آزادی‌های فردی به نفع نظم عمومی و در نتیجه واگذار نمودن برخی اختیارات انتظامی به شهروندان شده است. علی‌رغم فواید اعطای این اختیار، تشخیص مشهود بودن جرایم برای مردم عادی به راحتی میسر نیست و این خود ممکن است باعث برخی بی‌نظمی و احتمالاً درگیری‌ها در صحنه جرم شود.^۳ همچنین تعقیب جرایم قابل‌گذشت نیازمند شکایت شاکی خصوصی است و مشخص نشده تکلیف شهروندان در قبال این جرایم مشهود که شاکی هنوز شکایت ننموده چیست؟ مطلوب بود قانون‌گذار اقدام به پیش‌بینی رویه مشخصی در این عرصه می‌نمود.

۲-۳. عدم حضور ضابطان دادگستری

سومین شرط لازم برای تحقق بازداشت شهروندی عدم حضور ضابطان قضایی در محل ارتکاب بزه است.^۴ در واقع تأمین امنیت عمومی از وظایف اولیه ضابطان دادگستری محسوب می‌شود. اما از آنجا که جرم عموماً به صورت پنهانی و در غیاب ایشان ارتکاب می‌یابد، اعطای این اختیار به شهروندان ضروری به نظر می‌رسد. این قید

۱. انصاری فرد، ولی‌الله، منبع پیشین، صص. ۳۶۹-۳۷۰.

2. Cownie & Bradney and Burton, op. cit.

مطابق ماده ۲۴ مکرر قانون ۱۹۸۴ اصلاحی سال ۲۰۰۵:

«۱- شخصی که ضابط دادگستری نیست، می‌تواند بدون دستور قضایی، اشخاص زیر را دستگیر کند: الف- شخصی را که مشغول ارتکاب یک جرم با کیفرخواست است؛ ب- شخصی که مبنای عاقلانه‌ای برای ظن به ارتکاب چنین جرمی توسط او وجود دارد. ۲- در جایی که یک جرم با کیفرخواست ارتکاب یافته باشد، یک شخص عادی می‌تواند اشخاص زیر را بدون دستور قضایی دستگیر کند: الف- کسی را که مجرم این جرم است؛ ب- کسی که مبنای معقولی برای ظن به مجرمیتش وجود دارد.»

۳. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ سی و یکم، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۴، صص. ۸۳-۸۲.

۴. لفظ ضابط در مقرر به صورت مطلق آمده است، در نتیجه حضور ضابطان ذی‌صلاح عام و خاص مانع اعطای اختیارات انتظامی به شهروندان می‌گردد.

در لایحه اولیه قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی نشده بود لکن با اصلاحات گرفته به مقرر اضافه شد و حکم تبصره را تعدیل نمود.^۱

البته ممکن است ضابطان دادگستری در صحنه جرم حضور فیزیکی داشته باشند، ولی به دلیل ناتوانی و یا قصور در انجام تکلیف نتوانند مجرمان را بازداشت کنند. بدین ترتیب مطلوب بود مداخله انتظامی شهروندان منوط به عملکرد ضعیف ضابطان می‌شد و به صرف عدم حضور ضابطان در صحنه جرم محدود نمی‌گشت.^۲ مقنن انگلیسی با در نظر گرفتن این مهم، در بند ۳ ماده ۲۴ A (ماده ۱۱۰) قانون پلیس و جرم سازمان‌یافته اذعان می‌دارد: «شهروندان زمانی می‌توانند اقدام به دستگیری مظنونان کنند که معتقد باشند امکان بازداشت توسط افسران پلیس به طور متعارف امکان‌پذیر نیست». ^۳ ظاهراً دستگیری شهروندی در انگلستان منحصر به عدم حضور افسران پلیس نیست و در صورت محقق نشدن بازداشت قضایی به هر دلیل، شهروندان حق مداخله انتظامی خواهند داشت. در آمریکا فرقی نمی‌کند متقاضی دستور بازداشت شخص عادی یا افسر پلیس باشد،^۴ ولی مطلوب است تا حد ممکن این عملیات توسط افسران صورت گیرد، چرا که دستگیری مظنونان وظیفه شهروندان نیست.^۵ البته در برخی از ایالات این کشور افسران اجازه دارند که حین عملیات بازداشت از شهروندان درخواست کمک کنند و شهروندان مکلف به اجابت این درخواست هستند.^۶ این عملکرد شهروندان بازداشت شهروندی نیست، بلکه همکاری با افسران پلیس جهت بازداشت مظنونان است.^۷

مسئله برای تفویض اختیار بازداشت به شهروندان، تحقق همزمان سه شرط فوق لازم است و در صورت حادث نشدن این ضوابط، شهروندان حق مداخله انتظامی نداشته و بنا به اصل هشتم قانون اساسی تنها می‌توانند به انجام امر به معروف و نهی از منکر کلامی بپردازند.^۸ مقنن برای شهروندانی که علی‌رغم محقق نشدن این ضوابط اقدام به بازداشت مظنونان می‌کنند مجازاتی در نظر نگرفته است، لکن به نظر می‌رسد ایشان

۱. تبصره ماده ۱۷-۱۲۱ تنظیمی لایحه آیین دادرسی کیفری: «چنانچه جرایم موضوع بند الف و ب و ج ماده ۶-۱۳۱ این قانون به صورت مشهود واقع بشوند، تمام شهروندان می‌توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند».

۲. قانون‌گذار با ملاحظه این مهم، عملکرد ضابطان مردمی بسیج را منوط به عدم حضور ضابطان دیگر و یا عدم اقدام به موقع آنها و یا اعلام نیاز آنان کرده و آن را منحصر به عدم حضور سایر ضابطان نکرده است.

3. PACE, 24A(3) (b)

۴. انصاری فرد، ولی‌الله، منبع پیشین، ص. ۳۷۷.

5. <http://www.wikihow.com/Make-a-Citizen's-Arrest>

۶. در کامن‌لا، اختیار افسران پلیس در وادار کردن اشخاص عادی جهت کمک به ایشان برای حفظ صلح با بازداشت بزهکاران به Posse Comitatus مشهور است.

7. Del Carmen, Ronaldo; Hemmens, Craig, Criminal Procedure: Law and Practice, Tenth Edition, Wadsworth Publishing, 2016, p. 178.

۸. اصل هشتم قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند».

پاسخگوی مسئولیت‌های حاصل از اعمالشان هستند، هر چند وجود انگیزه شرافتمندانه ممکن است مسئولیت‌های ایشان را تخفیف دهد.

۳. بایسته‌های بازداشت شهروندی

هر بازداشتی به علت تعارض با حقوق و آزادی‌های فردی باید با رعایت استانداردهای حقوق داخلی و بین‌المللی صورت گیرد و در صورت منطبق نبودن با این کیفیات غیرقانونی خواهد بود.^۱ به همین دلیل تلاش فراوانی جهت تبیین بایسته‌ها و استلزام‌های بازداشت قضایی صورت گرفته است، لکن در حوزه بازداشت‌های شهروندی توجه چندانی به این مهم نشده است. از آنجا که شهروندان سواد حقوقی کافی نداشته و احتمال تجاوز به حقوق اشخاص در این بازداشت زیاد است، شایسته بود قانون‌گذار اشاره‌ای به الزامات و کیفیات تحقق این بازداشت می‌نمود. در ادامه پژوهش قصد داریم به تبیین مهم‌ترین قواعد حاکم بر دستگیری شهروندی بپردازیم. مطالعه تجربیات سایر نظام‌های حقوقی می‌تواند الهام‌بخش راهکارهای این حوزه باشد.

۳-۱. به‌کارگیری قوه قهریه معقول

به عنوان یک قاعده کلی، بازداشت شهروندی همچون بازداشت قضایی باید با استفاده از نیروی معقول محقق شود، چرا که هدف از بازداشت صرفاً توقیف مظنون و تحویل وی به مقام قضایی ذی‌صلاح است. بنابراین شهروندان در دستگیری فردی که بدون هیچ مقاومتی تسلیم می‌شود، نباید از اجبار غیرمتعارف استفاده نمایند. احکام این موضوع صراحتاً در نظام حقوقی کشورمان پیش‌بینی نشده است. لکن از فحوای اصل ۳۹ قانون اساسی می‌توان کلیاتی را استنباط نمود. به موجب این اصل: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت یا زندانی و یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است». مسلماً استفاده از نیروی قهری غیرمتعارف باعث هتک حرمت اشخاص شده و به‌کارگیری آن قانونی نمی‌باشد. لکن در شرایطی که متهم با به‌کارگیری ابزارهای عادی قابل بازداشت نیست، استفاده از این نیرو برای «اجرای قانون مهم» معقول به نظر می‌رسد. البته در این حالت نیز شرط تناسب باید رعایت گردیده و استفاده از نیروی غیرمتعارف می‌بایست در حد دفع مهلکه و بازداشت مجرم باشد. در انگلستان، شهروندان عادی همچون افسران پلیس می‌توانند از نیروی متعارف برای بازداشت مظنونان استفاده کنند. در صورتی که استفاده از این اجبار فراتر از مقدار معقول و حد ضروری باشد، بازداشت‌کننده به اتهام دستگیری غیرقانونی و سایر مسئولیت‌ها تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرد.^۲ در آمریکا نیز

۱. طه، فریده؛ اشرافی، لیلا، دادرسی عادلانه، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۶، ص. ۴۱.

۲. مهرا، نسرن؛ جهانی، بهزاد، «دستگیری شهروندی در حقوق ایران و انگلستان»، مجله پژوهش حقوق کیفری،

شماره ۱۴، بهار ۱۳۹۵، ص. ۵۳.

شهروندان از چنین حقی برخوردار هستند و استفاده از اجبار غیرعقلایی، بازداشت‌کننده را در معرض مسئولیت‌های حاصله قرار می‌دهد.^۱ در این کشور دادگاه‌ها با ملاحظه متغیرهای متعددی چون جدیت اتهام، تعداد افراد درگیر در پرونده و ارزیابی میزان مقاومتی که مظنون حین بازداشت از خود نشان می‌دهد، معقول بودن نیروی استفاده شده در بازداشت را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.^۲ به طور مثال در دعوی Art علیه Kelly افسر پلیسی خارج از وقت اداری، به عنوان یک شهروند عادی اقدام به بازداشت فرد مظنون نمود. وی پس از اتمام بازداشت، علی‌رغم تسلیم کامل متهم به برخورد قهری خود ادامه داد. دادگاه رأی داد که دستگیری شهروندی زمانی قانونی است که به محض متوقف شدن مقاومت مظنون، استفاده از اجبار ادامه پیدا نکند.^۳

البته در آمریکا این رویه یکسان نیست. در برخی از حوزه‌های این کشور شهروندان در مصاف با هر جنایتی حق استفاده از نیروی غیرمترعارف جهت دستگیری مجرمان را دارند و در حوزه‌های دیگر شهروندان تنها در مواجهه با جنایات خاص (همچون قتل عمدی و تجاوز جنسی) دارای چنین اختیاری هستند.^۴ آنچه مسلم است در این حوزه‌ها شهروندان حق استفاده از این نیرو جهت بازداشت مرتکبان جنحه را ندارند و در صورت استفاده دچار مسئولیت کیفری می‌شوند. در دعوی *People v. Wild* شهروندی سنگ‌اندازی فردی به سوی پنجره‌ها را مشاهده نمود. وی به تصور اینکه جنایتی در آستانه ارتکاب است، اقدام به بازداشت متهم کرد. در جریان نزاع بازداشت، شهروند با کشتن مظنون، متهم به ارتکاب قتل عمدی شد. هیأت منصفه وی را محکوم به قتل عمد کرد و دادگاه تجدیدنظر با این استدلال که ادله پرونده حکایت از جنحه‌ای بودن فعالیت‌های متوفی مانند خرابکاری^۵ و فساد مخرب^۶ دارد، حکم هیأت منصفه را تأیید نمود.^۷ در نقطه مقابل برخی از ایالات این کشور به دنبال پیروی از سیستمی هستند که استفاده از نیروی مرگبار توسط شهروندان را ممنوع اعلام کرده است، مگر زمانی که مأموران پلیس نیازمند کمک ایشان باشند. در این حالت افسر پلیس ممکن است به خاطر اقدامات شهروند مسئول شناخته شود.^۸

1. Emanuel, Steven L, op. cit., p. 40.

2. www.jimwagnerrealitybased.com/images/If_you_are_placed_under_citizens_arrest.pdf

3. Putman, William, Legal Analysis and Writing, Fourth Edition, Clifton Park, NY, Cengage Learning, 2012, p. 42.

4. Hall, Daniel E, Criminal Law and Procedure, Sixth Edition, Clifton Park, NY, Cengage Learning, 2012, p. 267.

5. Vandalism

6. Malicious Mischief

7. Queen, David, The Private Investigator's Legal Manual, Third Edition, United States of America, iUniverse Inc, 2011, pp. 18-19.

8. Ibid, p. 268.

۳-۲. تحویل فوری مظنون

از آنجا که تحویل متهم به مراجع قانونی از جمله اقدامات مربوط به مرحله تحقیقات مقدماتی است، لازم است در کوتاه‌ترین زمان ممکن محقق شود. بایسته مذکور این فرصت را به متهم می‌دهد که در اولین زمان ممکن قانونی بودن دستگیری خود را به چالش کشیده و نسبت به آن اعتراض کند.^۱ قوانین متعددی در سایر نظام‌های حقوقی و مصوبات بین‌المللی به این موضوع اشاره داشته‌اند. اما تبیین این مهم از چشم قانون‌گذار ایرانی مخفی مانده است. در آمریکا شهروندان مکلفند بازداشت‌شده را فوراً نزد دادرسی^۲ برده و یا تحویل افسران صلح^۳ دهند. اگر نفس بازداشت قانونی باشد، لکن متهم با تأخیری غیر موجه تحویل مراجع داده شود، وی محق است دادخواست حقوقی برای حبس نادرست خود بدهد.^۴ در انگلستان هر شخصی که اقدام به بازداشت خصوصی می‌کند، مکلف به تحویل مجرم در کوتاه‌ترین زمان ممکن است، در غیر این صورت مسئول تجاوز به اشخاص و حبس غیر قانونی خواهد بود.^۵ در پرونده بروین^۶ در سال ۱۹۷۶ میلادی کودکی توسط شخص عادی دستگیر و به پدرش تحویل داده شد. از آنجا که دستگیری از جانب پدر طفل نبود و تصمیم جدی برای تحویل طفل به پلیس نیز وجود نداشته است، حکم به غیر قانونی بودن بازداشت داده شد.^۷ در فرانسه نیز افراد عادی که اقدام به دستگیری مظنونان می‌کنند، مکلفند دستگیرشده را در کوتاه‌ترین زمان ممکن نزد اولین ایستگاه پلیس قضایی ببرند.^۸

استانداردهای بین‌المللی نیز به این مهم اذعان داشته‌اند که حاضر کردن متهم نزد مقام ذی‌صلاح باید فوری صورت گیرد. به موجب بند ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت می‌شود باید او را به اسرع وقت نزد دادرسی یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد حاضر نمود ...». همچنین به موجب بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: «هر کس که در چارچوب مفاد قسمت C بند ۱ این ماده دستگیر یا بازداشت گردیده است، باید فوراً نزد قاضی یا دیگر مقام ذی‌صلاح قانونی جهت اعمال قدرت قضایی اعزام شود ...». ظاهراً نظام‌های حقوقی و مصوبات بین‌المللی که به این مهم اشاره داشته‌اند، مهلت مشخصی برای تحویل متهم در نظر نگرفته‌اند. مطلوب است در نظام حقوقی ما برای حفظ حقوق متهمان، ضمن پیش‌بینی این بایسته حداکثر زمان معقولی برای تحویل مظنونان در نظر گرفته شود.

۱. طه، فریده؛ اشرافی، لیلا، منبع پیشین، ص. ۷۶.

2. Magistrate

3. Peace officer

4. Queen, David, Op. Cit., p. 19.

5. Mothersole, Brenda; Ridley, Ann, A Level law in Action, Second Edition, Basingstoke, Macmillan, 1999, p. 153

6. Brewin (1976)

7. Sanders, Andrew; Young, Richard; Burton, Mandy, Criminal Justice, Fourth Edition, New York, Oxford University Press, 2010, p. 154.

۸. انصاری فرد، ولی‌الله، منبع پیشین، صص. ۳۶۸-۳۶۷.

برای تشخیص این موضوع که آیا متهم فوراً تحویل مراجع ذیصلاح داده شده است، باید به اوضاع و احوال حاکم بر پرونده توجه نمود. چرا که در برخی بازداشت‌ها تأخیر در انتقال متهم دارای وجهه منطقی و قانونی است.^۱ البته این ضرورت بیشتر در بازداشت‌های قضایی قابل ملاحظه است. ولی در بازداشت‌های شهروندی نیز چنین تأخیری نباید منجر به مسئولیت کیفری افراد گردد. به طور مثال لزوم رعایت برخی بایسته‌ها و تشریفات قانونی توسط شهروندان گاهی چنین تعللی را ایجاب می‌کند. در پرونده انگلیسی جان لوئیس علیه تایمز^۲ متهمی که توسط نگهبان فروشگاه بازداشت شده بود، سریعاً به مراجع ذیصلاح قانونی تسلیم نشد و برای تحقیق ابتدائاً نزد مدیر فروشگاه برده شد. دادگاه با این استدلال که نگهبان به نیابت از مدیر فروشگاه اقدام به بازداشت مظنون کرده است، تعلل وی را تأیید نمود.^۳ همچنین برای احراز بی‌گناهی متهم گاهی لازم است متهم برای مدتی کوتاه نگه داشته شود و این مستلزم تأخیر در تحویل وی خواهد بود.^۴

۳-۳. ابلاغ سریع دلایل بازداشت

از جمله حقوق بازداشت‌شدگان در اکثر نظام‌های حقوقی، آگاهی از دلایل دستگیری است. به موجب این حق، تعقیب و دستگیری مظنونان می‌بایست منطقی، توجیه‌پذیر و بر اساس ضوابط قانونی بوده و پس از ارائه دلایل آن، متهم بازداشت گردد. از فواید ابلاغ این دلایل ضمن خروج متهم از بلا تکلیفی و سرگردانی، آگاهی وی از علت بازداشت است تا بتواند قانونی بودن آن را مورد مناقشه قرار دهد. اطلاعاتی که در مورد علت بازداشت ارائه می‌شود باید دقیق و جزئی باشد تا متهم مبانی قانونی و علت واقعی بازداشت خود را درک کند.^۵ ضرورت این تکلیف در دستگیری‌های شهروندی بیشتر احساس می‌شود، چرا که در این بازداشت‌ها احتمال افزایش دستگیری‌های غیر قانونی و تجاوز به حقوق اشخاص بیشتر است. علی‌رغم اهمیت این موضوع، قانون‌گذار کشورمان چنین تکلیفی برای شهروندان در نظر نگرفته است. مع‌ذکب اصل ۳۲ قانون اساسی به ابلاغ بازداشت و ذکر دلایل آن به طور کلی اشاره داشته که به نظر می‌رسد بتوان احکام آن را برای شهروندان نیز در نظر گرفت.^۶ شایسته است به منظور رعایت حقوق شهروندی و حفظ حقوق متهم، مقنن صراحتاً ضابطان دادگستری و شهروندان را مکلف به ابراز دلایل دستگیری کند.

1. Murphy, Peter; Stockdale, Eric, op. cit., P. 1190.

2. John Lewis v. Times.

3. Sanders, Andrew; Young, Richard; Burton, Mandy, op. cit., pp. 153-154.

۴. پرویزی فرد، آیتاله، منبع پیشین، ص. ۱۵۹.

۵. صابر، محمود، «معیارها و تضمین‌های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸، ص. ۱۵۲.

۶. بنا به این اصل: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم گردد و ...».

در نظام حقوقی انگلستان هر شخص که دیگری را بازداشت می‌کند، باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن او را از دلایل دستگیری آگاه کند.^۱ این موضوع به صراحت در دعوای *Christie v. Leachinsky 1974* توسط قاضی سیمون^۲ این‌گونه بیان شد: «حق شهروندان است بدانند برای چه اتهام یا ظن به چه جرمی دستگیر می‌شوند».^۳ به موجب ماده ۲۸ قانون پلیس و ادله کیفری اگر شخصی دستگیر شود، باید نفس بازداشت و مبنای آن سریعاً به اطلاع وی برسد، در غیر این صورت عمل دستگیری غیر قانونی خواهد بود. در آمریکا نیز چنین حقی برای متهم پیش‌بینی شده و بازداشت‌کننده مکلف است دستگیری و دلایل آن را ابلاغ نماید. برای حفظ حقوق متهم دلایلی باید به وی اعلان شود که صراحتاً به جرم ارتکاب یافته اشاره کند. با این حال استثنائاتی به این قاعده وارد است. به طور مثال در حالتی که مجرم در حال شروع به جرم یا در حال ارتکاب جرم است، ابلاغ این دلایل ضروری نیست.^۴

حق مذکور به عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق دفاعی متهم در اسناد متعدد بین‌المللی و منطقه‌ای مورد شناسایی قرار گرفته است. بند ۲ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی فارغ از اینکه شخص توسط ضابطان یا اشخاص عادی دستگیر شده باشد، ابراز می‌دارد: «هر کس دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیر شدن از دلایل دستگیری مطلع شود و در اسرع وقت اخطاریه‌ای دایر بر اتهامی که به او نسبت داده می‌شود دریافت دارد». این بند از میثاق با به کار بردن عبارت «ابلاغ دلایل دستگیری در موقع دستگیر شدن» به لزوم اطلاع‌رسانی فوری این دلایل توجه داشته است. به موجب مقرر مذکور دلایل بازداشت باید در همان لحظه دستگیری و یا حداکثر تا کوتاه‌ترین زمان ممکن پس از تحقق آن اعلام شود.^۵ از منظر کمیته حقوق بشر سازمان ملل، ابلاغ سریع دلایل بازداشت به متهم باعث می‌شود که اگر وی اعتقاد به بی‌اعتباری این مستندات داشته باشد بتواند گام‌های فوری جهت آزادی خویش بردارد.^۶ به همین طریق، بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اعلان می‌دارد: «هر کسی که دستگیر می‌شود باید فوراً به هر زبانی که برای وی قابل درک است، از دلایل دستگیری و اتهامات وارده بر خود مطلع گردد».^۷

1. Murphy, Peter; Stockdale, Eric, op. cit., P. 1189.

2. Simon

3. Zander, Michael, Cases and Materials on the English Legal System, Tenth Edition, London, Cambridge University Press, 2007, p. 204.

4. J stor, "The Law of Citizen's Arrest", Columbia Law Review, vol. 65, No. 3, 1965, p. 507.

۵. آشوری، محمد؛ و دیگران، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، چاپ اول، انتشارات گرایش، ۱۳۸۳، ص. ۳۰۸.

۶. محمدی قوهکی، محمود، حقوق بازداشت‌شدگان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، چاپ اول، انتشارات جاودانه (نشر جنگل)، ۱۳۹۳، ص. ۱۰.

۷. اصطلاح «فوراً» در این ماده معمولاً به نحو مضیق تفسیر می‌گردد؛ هر چند که از منظر دادگاه‌های اروپایی حقوق بشر، تأخیرهای جزئی قابل اغماض می‌باشد (صابر، محمود، منبع پیشین، ص. ۱۵۳).

نتیجه‌گیری

بحران‌های نظام‌های عدالت کیفری در مقابله با بزهکاری، زمینه‌ساز توجه به واقعیت مشارکت شهروندان در برنامه‌های مَنبَعِث از سیاست‌جنایی شده است. ایده قانون‌گذار برای ارتقای امنیت عمومی از طریق مشارکت مردم، همکاری انتظامی ایشان جهت کشف جرم و تعقیب مجرمان است. بنا به این ایده شهروندان علاوه بر پیشگیری در امر کیفری مشارکت داده شده و با بهره‌مندی از اختیارات انتظامی در مراحل مختلف فرآیند رسیدگی کیفری حضور پیدا می‌کنند. عملیات «دستگیری شهروندی» از جمله برنامه‌هایی است که برخی نظام‌های کیفری برای توسعه مشارکت‌های انتظامی شهروندان در نظر گرفته‌اند. در کشور ما تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قانون‌گذار به این نوع مشارکت اشاره‌ای نکرده بود. اما ضرورت توقیف مجرمان ایجاب می‌کرد که حقوق‌دانان با توسل به مبانی چون دفاع مشروع، اجرای قانون مهم و ضرورت این نوع بازداشت را توجیه نمایند. با این وجود ضعف مبانی مذکور و عدم انطباقشان با بایسته‌های دستگیری شهروندی باعث شد که قانون‌گذار طی تبصره یک ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری صراحتاً چنین حقی را به شهروندان داده و ایشان را در فعالیتهای انتظامی مشارکت دهد.

تفویض اختیارات ضابطان به شهروندان به دلیل حساسیت زیاد نیازمند آموزش‌های خاص انتظامی بوده و افراد عادی نیز عموماً سواد حقوقی کافی ندارند. به همین دلیل قانون‌گذار صرفاً اجازه چنین مشارکتی را به شهروندان داده و ایشان را عهده‌دار هیچ مسئولیتی در این عرصه نکرده است. اعطای این مجوز حکایت از اهمیت مشارکت انتظامی شهروندان جهت ارتقای امنیت عمومی دارد، مشروط به اینکه همکاری‌ها به صورت ضابطه‌مند تحقق یابد، در غیر این صورت نتیجه عکس خواهد داشت. مقنن با ملاحظه این مهم و به تبعیت از سایر نظام‌های قدرتمند حقوقی، یک سری ضوابط برای دستگیری شهروندی در نظر گرفته است. ارتکاب جرایم خاص، تحقق این جرایم به صورت مشهود و عدم حضور ضابطان قضایی در صحنه جرم از جمله شرایط مداخله انتظامی شهروندان جهت بازداشت مظنونان می‌باشد. با تحقق این ضوابط شهروندان در مصاف با جرایم ارتکاب‌یافته و جرایم در حال ارتکاب حق مداخله و بازداشت مجرمان را دارند.

از طرفی دستگیری شهروندی مستلزم رعایت یک‌سری بایسته قانونی است و افراد بازداشت‌کننده مکلف به رعایت این تشریفات هستند؛ در غیر این صورت عملیات دستگیری غیر قانونی بوده و موجب مسئولیت بازداشت‌کننده می‌گردد. این بایسته‌ها در نظام کیفری ایران بر خلاف نظام‌های قدرتمند حقوقی به صراحت پیش‌بینی نشده است و به ناچار می‌بایست تابع کلیات قانونی حوزه بازداشت بود. مسلماً سکوت قانون‌گذار در مورد موضوعات مهمی از این قبیل می‌تواند باعث تضییع حقوق شهروندان، اختلال در مناسبات اجتماعی و ایجاد ابهام و تشویش در آراء قضایی گردد. منع استفاده از نیروی غیر متعارف جهت بازداشت، ابلاغ سریع دلایل بازداشت به مظنون و تحویل فوری وی به نهادهای ذی‌صلاح قانونی از جمله الزاماتی است که باید رعایت گردد.

منابع

- آشوری، محمد؛ و دیگران، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، چاپ اول، انتشارات گرایش، ۱۳۸۳.
- آقای‌نیا، حسین، حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، چاپ چهارم، نشر میزان، ۱۳۸۹.
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، چاپ سی و دوم، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ؛ برلوک، برنار، آیین دادرسی کیفری، ترجمه حسن دادبان، جلد اول، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
- _____، حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، جلد اول، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۳.
- اسدی، لیلاسادات، شرحی بر آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، انتشارات فکرسازان، ۱۳۹۴.
- انصاری فرد، ولی‌الله، حقوق تحقیقات جنایی (مطالعه تطبیقی)، چاپ اول، انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
- انظاری، محمدحسن، جرم مشهود در فقه امامیه و حقوق ایران (با نگاهی به حقوق کیفری فرانسه و انگلستان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۹.
- پاد، ابراهیم، حقوق جزای اختصاصی، جلد اول، چاپ دوم، چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
- پرویزی فرد، آیت‌الله، سلب آزادی از متهم در حقوق ایران و انگلستان، چاپ اول، انتشارات جنگل، ۱۳۹۱.
- جاوید، محمد جواد؛ صادقی، محمد؛ شفیع‌زاده خولنجانی، مصطفی، «نسبت تکالیف طبیعی و تکالیف شهروندی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۵۹، پاییز ۱۳۹۱.
- جوانمرد، بهروز، آیین دادرسی کیفری، جلد نخست، ویراست پنجم، چاپ اول، انتشارات جنگل، ۱۳۹۴.
- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ سی و یکم، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۴.
- شکر، رضا، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، چاپ هشتم، نشر مهاجر، ۱۳۸۹.
- طه، فریده؛ اشرفی، لیلا، دادرسی عادلانه، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۶.
- کشاورز، بهمن، مجموعه محشای قانون تعزیرات، چاپ سوم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸.
- گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ دهم، نشر مجد، ۱۳۸۷.
- لارگیه، ژان، آیین دادرسی کیفری، ترجمه حسن کاشفی اسمعیل‌زاده، چاپ اول، گنج دانش، ۱۳۷۸.
- محمدی قوهکی، محمود، حقوق بازداشت‌شدگان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، چاپ اول، انتشارات جاودانه (نشر جنگل)، ۱۳۹۳.
- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ بیست و هفتم، نشر دادآفرین، ۱۳۸۸.

- جاوید، محمدجواد؛ محمد صادقی، محمد؛ شفیع زاده خولنجانی، مصطفی، «نسبت تکالیف طبیعی و تکالیف شهروندی»، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۵۹، پاییز ۱۳۹۱.
- رستمی، ولی، «مشارکت مردم در فرآیند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی)»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶.
- صابر، محمود، «معیارها و تضمین‌های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸.
- مهرا، نسرین؛ جهانی، بهزاد، «دستگیری شهروندی در حقوق ایران و انگلستان»، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۴، بهار ۱۳۹۵.
- ناصرزاده، هوشنگ، «حبس و توقیف قانونی»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶، ۱۳۷۱.
- نجفی ابرنآبادی، علی‌حسین، «مشارکت مردم در تأمین امنیت»، نشریه امنیت (میزگرد)، شماره ۷-۸، ۱۳۷۸.

- Carper, Donald; McKinsey, John A., Understanding the Law, Sixth Edition, Mason OH, South-Western, Cengage Learning, 2012.
- Collin, Peter Hodgson, Dictionary of Law, Second Edition, Chicago, Fitzroy Dearborn Publishers, 1999.
- Cownie, Fiona; Bradney, Anthony; Burton, Mandy, English Legal System in Context, Sixth Edition, Oxford, Oxford University Press, 2013.
- Del Carmen, Ronaldo; Hemmens, Craig, Criminal Procedure: Law and Practice, Tenth Edition, Wadsworth Publishing, 2016.
- Emanuel, Steven L, Criminal law, Sixth Edition, Austin, Wolters Kluwer Law & Business/Aspen Publishers, 2007.
- Ferdico, John; Fradella, Henry; Totten, Christopher, Criminal Procedure for the Criminal Justice Professional, Twelfth Edition, Boston, Cengage Learning, 2015.
- Fischer, Robert; Green, Gion, Introduction to Security, Seventh Edition, Amsterdam, Butterworth-Heinemann, 2004, p. 108.
- Hall, Daniel E, Criminal Law and Procedure, Sixth Edition, Clifton Park, NY, Cengage Learning, 2012.
- Hess, Kären, Introduction to Private Security, Fifth Edition, Belmont, CA, Cengage Learning, 2009.
- Hunsicker, A, Advanced Skills in Executive Protection, Florida-Boca Raton, Universal Publishers, 2010.
- Maxwell, David A, Private Security Law Case Studies, Boston, Butterworth-Heinemann, 1993.
- Mothersole, Brenda; Ridley, Ann, A Level law in Action, Second Edition, Basingstoke, Macmillan, 1999.

-
- Murphy, Peter; Stockdale, Eric, Blackstone's Criminal Practice 2012, 22 ed, Oxford, Oxford University Press, 2011.
 - Nemeth, Charles, Private Security and the Law, Fourth Edition, Amsterdam, Butterworth-Heinemann, 2012.
 - Putman, William, Legal Analysis and Writing, Fourth Edition, Clifton Park, NY, Cengage Learning, 2012.
 - Queen, David, The Private Investigator's Legal Manual, Third Edition, United States of America, iUniverse Inc, 2011.
 - Sanders, Andrew; Young, Richard; Burton, Mandy, Criminal Justice, Fourth Edition, New York, Oxford University Press, 2010.
 - Slapper, Gary; Kelly, David, the English Legal System, Fifteenth Edition, Abingdon-Oxon, Routledge, 2014.
 - Zander, Michael, Cases and Materials on the English Legal System, Tenth Edition, London, Cambridge University Press, 2007.
 - J stor, "The Law of Citizen's Arrest", Columbia Law Review, vol. 65, No. 3, 1965.
 - Spencer, J., "Citizens Arrest – at their Peril", The Cambridge law Journal, Vol. 51, No. 3, 1992.

